

کلام مکتوب



نوشته گزایویه پره

حدود ۳۵۰۰۰ سال پیش، انسان پیش از تاریخ

نخستین نقاشیهایش را بر دیوارها و سقف غار کشید.

اما اولین نظامهای نوشتاری با استفاده از نشانه‌ها، بسیار بعدتر در

بین‌النهرین و مصر پیدا شد.



پیداایش نوشتن با نماد، شهرها
همزمان بود. بالا، بخشی از
نقش برجسته آشوری از قصر
سازکن دوم، در دور ساروگین،
قرن هشتم قبل از میلاد. که مردی را
نشان میدهد که با کت شش‌پا
در دست دارد.

قابلیت خود را برای تبیین همهٔ مباحث انسانی گسترش داد.

کسی بعد در آغاز هزارهٔ دوم قبل از میلاد، در بگ سوی

جهان، کتابت چینی، براساس شکل تصویری، به‌وجود آمد،

و به همین قیاس نظامهای مصری و مایایی، که متأشان هنوز

ناشناخته است، باز هم با استفاده از تصاویر به‌منزلهٔ

دلالت‌گراها، پیدا شد.

ظاهر تجسم این نمادهای تصویری اولیه، یادآور

نخستین کوششهای انسان برای نمایش اشیاء، در نقاشیهای

درون غار دوران دیرینه‌سنگی است. ما از بازمانده‌های

جانوران و انسانهایی که در هنر صخره‌ای ۳۵۰۰۰ تا ۱۸۰۰۰

کتابت، به‌منزلهٔ نظامی از نمادها در یک ساختار

زیاتی، در اواسط هزارهٔ چهارم قبل از میلاد پیدایش

یافت. این نظام که در اصل مرکب از تصویرنگارها بود،

به‌تدریج به انتزاعی شدن گرایش پیدا کرد، و به این ترتیب



بالا، کتیبه‌های مقدس،

نقاشی روی سنگ لواریان

نیش در لایاخ (هندوستان).

تصویرنگارهٔ کنده‌کاری شده

روی چوب، حدود ۱۹۰۰، توسط

یک صنعتگر ماماچ به قوم دایاک، اهل

سارواک، در جزیرهٔ بورنیو.

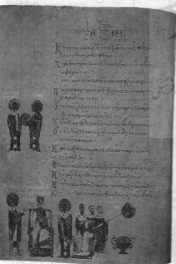
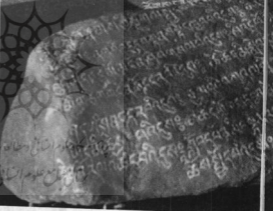
اسا هزاران سال فاصله بین نقاشیهای باقی مانده از فرهنگهای اوریشیاکی و ماگدالنی و نخستین نمادهای طریجسی گرافیک، یعنی اعداد است، چه نظام باستانی چینی ترکه‌های شمارش باشد یا نظام سومری حسابداری یا اسطوره از گویهای گلی توخالی^۱ طی این دوره نسبتاً طولانی است که انقلاب نوسنگی به وقوع پیوسته و رابطه بین انسانها و محیطشان دستخوش تغییری شگرف شده، شکارچی - گردآورنده به تولیدکننده مبدل شد. نظامهای نوشتاری با انترامی کردن و به هم آمیختن تصاویر به مرحلهٔ بازنمایی سخن و اندیشه رسید.

مثلاً حاتم اندیشه‌نگار سومری، به مانند تصویرنگارهای چین باستان، مفاهیم بنیادینی را به نمایش درمی آورد که برای گرفتن پیام توسط خواننده نیازمند تفسیر بود. جماعات بسیاری از کاتبان قرنها در تحول این شیوهٔ بازنمایی کوشیدند تا حاققت نظامهایی به وجود آمده که به کمکشان می‌شد تمام زیر و بمهای زبان را انتقال داد.

از نمادها به اصوات

درحالی که پیدایش شکلهای نوشتن در سومر، چین و شاید در امریکای مرکزی را بتوان ناشی از تحول تدریجی دانست، انواع نظامهای آوانگاری (الطبا یا هجانگاریها) را که در همه‌جای دنیا هست، می‌توان ناشی از اشامهٔ الگوی اولیه‌ای دانست که توسط جوامع گوناگون اخذ شده و مورد تقلید و اقتباس قرار گرفته است.

نخستین نظام آوانویسی (احتمالاً هجایی) ظاهراً نظام قتیقی بوده که نخستین نشانه‌های آن را شاید بتوان تا قرنها



یک دستنوشته
لذیب شدهٔ پورسی
متعلق به قرن چهارم

سال قبل از میلاد، دیده می‌شود، چه درسی باییم؟ اگرچه هیچ‌گونه ارتباطی با یک ساختار زبانی در آنها نمی‌توان دید، اما آنچه می‌بینیم میل به بازنمایی موضوعات در شکل گرافیک است که نشان‌دهندهٔ وجود یک زبان مشترک - یا دستکم مصداقهای مشترک - در میان یک جماعت و از این رو، وجود یک شیوهٔ تفکر مشترک است.



سزده و یازده قبل از میلاد بی گرفت. گرچه منشأ اصلی حروف فنیقی در ایهام است (احتمالاً از اندیشه‌نگارهای سومری اقتباس شده)، ولی صاحب‌نظران اکنون، در اکثر موارد، توافق دارند که آنها ماتریسی بودند که موجب تحول الفبای نوگوناگونی شده‌اند که امروزه در سراسر جهان معمول است.

استفاده از خط آوانگاری از طریق انتقال جمعیت مثل مهاجرت ارمنی چادرتشین به بین‌النهرین، یا فعالیتهای بازرگانی مثل فنیقی‌ها در شرق مدیترانه، و پس از استقرار قدرت سیاسی (مثل هجوم دوری‌ها به یونان) یا قدرت مذهبی (مسیحیت بر اثر ترجمه کتاب مقدس به اسلاوی)، اشاعه یافت، اما موفقیت این متن بدون تردید ناشی از این واقعیت بود که این متن به نسبت خط مشکل‌مغزی یا خط پیچیده هیروگلیف مصری قابل فهم تر بود.



بالا: بخشی از یک کتیبه هیروگلیف، وحشی، قرنهای نهم - هشتم قبل از میلاد که نامهای سلطان تکیستوس و پسرش سابلولو لیولما قانع حلب به سال ۱۲۵۹ قبل از میلاد را بر خود دارد. جنبه‌ها که به مدت پنج قرن بر بخشی از جهان که اکنون ترکیه آسیای است فرمان می‌راندند، از اندیشه‌نگارهایی استفاده می‌کردند که از بابلی‌ها وام گرفته بودند.



بالا: کهن‌ترین نمونه شناخته شده الفبای فنیقی کتیبه‌ای بر زوگر سلطان اصرام اهل بعلبوس، متعلق به قرن سیزدهم قبل از میلاد.

راست: تصویرنگارهای منقش بر این کاغذ پوستی متعلق به قرن شانزدهم کشور پانوی، حاشی دسی مسیحیت را به سرخوستان آموزش می‌داند.

کراویه پره (Xavier Perret) اهل فرانسه مترجم و

هر جامعه‌ای که نظام آوانگاری فنیقی را اخذ می‌کرد می‌بایست آن را با نیازمندیهای خود منطبق سازد. به این ترتیب خطهای آرامی، عبری و نبطی به وجود آمد و در نتیجه موجب پیدایش دیگر خطها شد که آنها نیز دستخوش اقتباس و دگرگونی گردیدند - مثل زبانهای یونانی و عربی که باز به نوبه خود راه را برای خطهای دیگر هموار ساختند.

در این مرحله ما دیگر نه با مسئله ترویج یا تحول، که با آمیختگی سروکار داریم.

بازگشت تصویر

پس نوشتن چه کارکردی دارد؟ در آغاز این بحث، باید گفته شود که نوشتن دو هدف مشخص را دنبال می‌کند. در چین، چنانکه لمبای باستان‌شناسی به صورت لاک سنگ‌پشت‌ها و «استخوانهای پیشگو» نشان می‌دهند، برای ایجاد ارتباط با دنیای دیگر به کار می‌رفت. بنابراین کارکردش، در ابتدا جادوگونه بوده، یعنی کاملاً برخلاف آنچه در سومر پیش آمده که صرفاً برای حسابداری به کار می‌رفت. نوشتن در جای دیگر، در مصر و در میان اقوام مایا، فقط برای مقامات روحانی شناخته شده بود و در خدمت مذهب قرار داشت، بعدها نیز در اروپا تا مدت‌های طولانی حق خصوصی کشیشان محسوب می‌شد.

از آنجا که قدرت روحانی و غیرروحانی هر دو در دست افراد واحدی بود، نوشتن که ارتباط نزدیکی با جادو داشت، جزو دستگاه قانونی و سیاسی صاحب قدرتان گردید. این حق قانونی حاکمان پس از مدت‌ها به آرامی و باگلتشن از صابی به افشار دیگر جامعه انتقال یافت. مثلاً هنگامی که

کاهنان مایایی از میان رفتند، اسرار نوشتار مایایی نیز با آنان از میان رفت، و قرن‌ها طول کشید تا خط معمولی مصری رواج یافت که در اداره امور، تجارت و ادبیات به کار می‌رفت. در غرب گسترش سواد به اواخر قرن نوزدهم بازمی‌گردد، حتی امروز هم هیچکس از جوامع صنعتی مدرن نمی‌تواند مدعی شود که مردم جامعه‌شان صد درصد باسوادند.

تافلش آمیز اینکه، طی یک قرن و نیم اخیر در همین جوامع، یعنی جایی که قانون به صورت نوشته درآمد و از این‌رو نوشتار ضمانت قانونی یافت، ارتباط از طریق تصاویر زمینه بیشتری پیدا کرد. درحالی که اختراع چاپ ممکن است موفقاً جلوی تحول نوشتار را گرفته باشد یا آن را تحت‌کنترل درآورده باشد، بازگشت تصویر، همراه با این واقعیت که علامت اندیشه‌نگاری و تصویرنگاری مندام در پیرامون ما به وجود می‌آید، نشان می‌دهد که این تحول بار دیگر از سر گرفته شده است.